

نا بودی عربستان

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/09/video_2019_9_16-16_41_20_668_llc.mp4

شیطا نیزم ایرانی!

حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران ابراز داشتند:

اختلاف نظر در جامعه اسلامی باعث برکت است اما دوقطبی کردن جامعه رفتار منافقانه است و در جامعه ما هم سال‌ها است که شکل گرفته ... دو قطبی سازی باعث ایجاد دیکتا توری رسانه‌ای می‌شود و شایسته سالاری از بین می‌رود. خدا لعنت کند کسانی را که به دو قطبی سازی دامن می‌زنند و همه را متهم و منتبه به یک جناح می‌دانند. این لعنتی‌ها اجازه نمی‌دهند جامعه به پیش بروند. صهیونیست‌ها این دو قطبی سازی را در اکثر کشورها ایجاد کردند.

دو قطبی‌سازی سنتای است سینه در مناسبات رفتاری ایرانیان که هر چند به درستی توسط پناهیان نشانه‌گذاری شده اما توسط ایشان به خوبی آسیب‌شناصی نشده.

برخلاف باور پناهیان دو قطبی‌سازی در ایران امری است متقدم و ربطی به فتنه‌گری صهیونیست‌ها نداشته و خاستگاه‌اش برگرفته از منطق باینری است.

منطق باینری یا «صفر و یکی» مستحکم‌ترین سازه استدلالی در حوزه گزاره‌های ابطال‌ناپذیر (قطعیت‌ها) است هم چنان که همین منطق از آن درجه از استعداد برخوردار است تا با ورودش به جهان گزاره‌های ابطال‌پذیر (نسبیت‌ها) مُبدل به مخرب‌ترین و مناقشه‌آمیزترین استنتاجات منطقی شود.

مخرب‌ترین کاربرد منطق باینری زمانی است که این منطق «سترونآن»ه با یک شیفت گفتمانی از جهان آنتولوژی یا بودشناصانه Ontology به جهان آگزیولوژی یا ارزش‌شناصانه Axiology میانبُر زده و جاعلانه از

«بود ها» اخذ استنتاجات ارزش داورانه کند.
ریزش منطق باینری از جهان گزاره‌های ابطال ناپذیر به جهان
گزاره‌های ابطال پذیر ریزشی است که محصولش نامحدود تلقی شدن
پدیده‌های محدود، خواهد بود.

خط فاحش در چنین شیفت گفتمانی آنجاست که علیرغم معسor بودن جهان
«هست ها» لیکن در نگاه ارزش‌ناسانه «تفاوت» بین پدیده‌ها را مبنای
«تبغیض» بین آن پدیده‌ها تلقی می‌کنند!

منطق باینری ناظر بر مفاهیم مطلق و گزاره‌های ابطال ناپذیر است.
مفاهیمی همچون:

هستی یا عدم - صدق یا کذب - روشنائی یا عدم روشنائی - خدا یا
غیرخدا - خیر یا شر

ریزش منطق باینری از حوزه آنتولوژی (بودشناصی) به ساحت آگزیولوژی
(ارزش‌شناصی) را می‌توان گرانیگاه خلق و بسط «ایدئولوژی شیطانی»
محسوب کرد که طی آن شیطان تفاوت خود با انسان را و «بود» از «آتش
خود» را ملاک تمایز و تفاخر و ارجحیت و ارشدیت و افضلیت و تَشَخُّص
و تَكَبِّر خود بر «بود» از «خاک انسان» قرار می‌دهد.

قَاتَلَ مَا مَنَّعَكَ أَلَاَ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۝ قَاتَلَ
أَزَّاَ خَيْرَ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ
طِينٍ

خدای متعال بدو (شیطان) فرمود:

چه چیز تو را مانع از سجده (آدم) شد که چون تو را امر کردم
نافرمانی کردی؟ پاسخ داد که من از او بهترم، که مرا از آتش و او
را از خاک آفریده‌ای. (آیه ۱۲ سوره اعراف)

در چنین بدآیندی، منطق شیطان ناظر بر «ارزشگذاری خویش‌کامانه» بر
تفاوت‌های «هستی شناسانه» است.

Morphologic ایدئولوژی که طی آن تفاوت‌های ذاتی و ریخت شناسانه ملک ارجحیت‌های ارزش داورانه قرار می‌گیرد و به تَبَاع تَقَبَّد به چنین تفرعنی است که «تفاوت» مبنای «تمایز» قرار گرفته، بدون التفات به آنکه تفاوت‌ها قاصر از آنند تا بتوانند مبنای تمایزها شوند.

سیاه و سفید، «فقیر و غنی»، «شهری و روستائی»، «باسواد و بی‌سواد»، «زن و مرد» هر چند متفاوتند اما چنین تفاوتی جز به اعتبار تنزه اخلاقی و پارسائی رفتاری، نمی‌تواند افاده معنای مزیت و فضیلت و برتری و تمایز و ارجحیت و ارشدیت یکی بر دیگری کند.

ایرانیان به لحاظ تاریخی و به اقتفار آموزه‌های تحریف شده زرتشتی، آلوده‌ترین ملت‌ها به منطق باینری‌اند!

به اعتبار ابتلای ایرانیان به منطق باینری امکان ندارد پاسخ یک

ایرانی به یک «پرسش مفروض» در قبال یک «انسان مفروض» مبنی بر آنکه «آقای ایکس چگونه انسانی است؟» بیرون از دو گانه «آدم خوبی است» یا «آدم بدی است» چیز دیگری باشد.

این تقریباً از محالات است چنانچه توقع شود یک ایرانی در پاسخ به پرسش فوق فرضاً بگوید:

آقای ایکس فردی خوش خُلُق اما در عین حال کاهل است و هم چنان که آدمی راستگو است اما ضریب مسئولیت پذیریاش پائین است. از نظر روانی فردی برونگرا و خیّر و اهل انفاق است. خانواده دوست و اجتماعی است اما در عین حال محافظه کار هم هست و ضریب ریسک پذیریاش پائین است. خوش لباس و خوش بیان و مبادی آداب است اما مناسباتش با خانواده پدرسالارانه است و در مناسبات اجتماعی رفیق باز و تفرج طلبند و غیره.

توقع شنیدن چنین پاسخی از یک ایرانی چیزی در حد محال است! برای چنین «ایرانی مفروضی» دادن پاسخ در «دو گانه با ینر» بمراتب سهلتر و مقبولتر از آنست تا خود را در پاسخ های فسفرسوز کثیرالابعاد و ذو جنبتین معطل و معذب نماید!

برای چنین ایرانی مفروضی تنها دو گزینه محلی از اعراب دارد: خوب یا بد

انسان یا قدیس است یا ابلیس!
یا اهورا است یا اهریمن!

یا خیراست یا شر!
یا درست است یا غلط!

یا سیاه است یا سفید!
یا فرشته است یا دیو!

یا پاک است یا پلید!
یا قهرمان است یا هیولا!

یا راهبه است یا فاحشه!
یا مدرن است یا سنتی!

یا شهری است یا دهاتی!
یا باشعور است یا بی شعور!

یا باسواد است یا بیسواد!
یا روشنفکر است یا مرتعج!

یا آلامد است یا امُل!
یا دنیوی است یا اخروی!

یا علمی است یا دینی!

از زمان حاکمیت منطق با ینری در ناخودآگاه تاریخی غالب ایرانیان،

یک دوگانه جعلی و آنتاگونیستی از «علم و دین» و «دنیا و آخرت» و

«معنویت و مادیت» در ناصیه ایشان مهر شده که مبنای همه داوری‌ها و دانائی‌های ایشان قرار دارد!

آخرین و نقدترین و نزدیکترین نمونه از چنین بدآیندی نزد ایرانیان را می‌توان در شهرآشوبی سال ۸۸ ملاحظه کرد که طرفین در بدخیم‌ترین حالت ممکن همه وجوده سریز منطق با یوری از جهان گزاره‌های ابطال ناپذیر به جهان گزاره‌های ابطال پذیر را توامان تجربه و عهده‌داری کردند!

خیزشی آپارتایدی که به اقتفای «منطق با یوری» طرفین مدعی برتری و تفاخر «ذاتی خود» در مقابل کهتری و سفلگی ذاتی «طبقه مقابل خود» بودند و هستند!

شورشی که به اقتفای آلودگی محظوم‌شان به «ایدئولوژی شیطانی» جبراً و قهراً گریزی از این ثنویت تحمیلی و خودخواسته و خودساخته نداشته و ندارند تا «محمود احمدی‌نژاد» را عُماره همه رذائل و خبائث و سیئات و دنائات بفهمند و هم زمان «میرحسین موسوی» را شُدآیندی از همه فضائل و محسن و مکارم و مواهب موجود در جهان بشریت فهم و اقبال کنند! و هم زمان وارونه همین معادله در سوی دیگر جبهه برای «محمود قدیس» و «میرحسین ابلیس» هماوردی و هل من مبارزی می‌کرد و می‌کند!

ثنویت با یوری نقطه مقابل وحدانیت مَذِشی و نراحت رَوِشی و طهارت بینشی در فاهمه قاطبه ایرانیان است که مُنجر به شیطان‌زدگی خُلقی و انانیت عمقی و فهم ذوقی ایشان از خود و خوشایندها و ناخوشایندهای سلیقه‌ایشان، شده است!

داریوش سجادی

قا تل سحر خدا یاری کیست؟

سحرخدا یاری را باید نماینده نسلی تلقی کرد که در گنداب سیاست‌بازی و غرقاب ندانمکاری و تعفن ذائقه‌سازی‌های مهوع مشتبی بندباز سیاسی کشته شد؟

سحرخدا یاری را به کفایت می‌توان نماد و نماینده نسلی قلمداد کرد که لامحاله کم وزنی عقلی و بیوزنی هویتی خویش را چلیپاکشی می‌کند! نسلی که در نقطه تباین با نسل دیروزی است که در دهه پنجاه برخلاف سحرخدا یاری و همترازان سحرخدا یاری دغدغه‌شان نشستن در استادیوم و

جیغ زدن برای ۱۱ نفر مشنگتر از خودشان نبود!
نسل دیروز اگر قهری داشت و قهرمانی
اگر دردی داشت و دردمنی!

قهر و درد و قهرمان و دردمن را از بطن مطالعات فلسفی و مکاففات
عقلی‌اش احصا و استحصال می‌کرد.

دغدغه‌های نسل من را فرانس فانون و برتراند راسل و آندره ژید و
مارسل پروست و جمیله بوپاشا و شریعتی و جلال و نهضت حسینی قیام
عاشورا نشانه گذاری می‌کرد!

حتی خوانندگان نسل من امکلثومی بود که در جنگ شش روزه آنچنان
مبتهجا نه در بسیج سربازان مصری خواند که بعدها مناخیم بگین در
توجیه قتل عام سفاکانه تلزعتبر گفت اگر امکلثوم در ۶۷ آنچنان
سربازان مصری را به وجود نمی‌آورد ما نیز در تلزعتبر آنچنان
نمی‌کردیم!

نسلی که اگر هم خودزنی می‌کرد جان شیرین‌اش را فدیه آرمان‌های بلند
آزادی و استقلال و مبارزه با استعمار و استبداد می‌کرد.

شوربختی است که با نسلی مواجه‌ایم که دغدغه‌اش فوتبال و نشستن در
استادیومی شده که برون دادش مشتی الدنگ بی‌سواد و بد دهان‌اند که
کل افتخارات ملی‌شان با بلع میلیارد‌ها تومنان پول بی‌زبان، زنگ
تفریح شدن برای فوتبال باشگاه‌های حرفه‌ای جهان است!

نسلی که آنچنان مغزشوئی شده که سطح مطالباتش تا زوال نشستن در
استادیوم و جان دادن برای آن نشیمنگاه منحوس تنازل یافته!
امکلثوم‌شان نیز ساسی مانکنی شده که جنتلمن است! و خانومش هم
جندرمن! و آن روان‌پریش نیز قهرمان‌شان شده که از بطن دنیا
کالانگاری به زن، کور عقلانه با بیرق روسی‌های سفید سحر را قربانی
نگاه جنسیتی به زنان در ایران قلمداد می‌کند.

سحر را شماتت نبا یست کرد.

سحرها را به استادیوم راه ندهید
مردها را نیز به استادیوم راه ندهید
اساسا گل بگیرید درب دنیا فوتبال ایران را که خروجی اش همه چیز
هست جز ورزش!

سحر را خدا داد اما فوتبال مبتذل و منحط ایران و تنازل مطالبات
نسل جوان به چنین انحطاط و ابتدالی سحر و سحرهای بیشماری را از
ما گرفته و می‌گیرد.

کاش عدليه ایران نیز قبل از دغدغه نشیمنگاه دخترکان ایران در
استادیوم کمی هم سودای ارتقای اندیشه و عقل و معرفت و شعور این
دخترکان را عهده داری می‌کرد!

#داریوش_سجادی

تحريم های اخیر امریکا علیه ایران

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/09/video_2019_9_4-15_29_8_857_Tly.mp4

تحريم دکتر ظریف

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/08/WhatsApp-Video-2019-08-04-at-19.10.24.mp4>

تحريم دکتر ظریف

چرا وزارت خزانه داری آمریکا ، دکتر ظریف را تحريم میکند؟ و اعمال این تحريم را بخاطر ارتباطش با رهبر ایران قلمداد میکند؟ این تحريم را از دو جنبه میتوانیم بررسی کنیم
(۱) یک لایه بیروتی دارد که فقط جنجال رسانه ای و روانی قضیه است، که با نام بردن رهبر ایران؛ سعی در کاور کردن اصل ماجرا از سوی دولت جمهوری خواه امریکاست.
و اما (۲) لایه دوم که لایه درونی و اصل ماجراست اینست که؛ دولت ترا مپ بخاطر رفتارهای اخیر غیر دیپلماسی دکتر ظریف بستوه امده و از دریچه تهدید به آن می نگرد و به همین دلیل او را در لیست تحريم قرار داده است.
زیرا دولت ترا مپ معتقد است که دکتر ظریف مدته درحال رایزنی و برگزاری جلسات خصوصی با دموکرات ها میباشد جهت تضعیف دولت ترا مپ

و با شگرد دولت سایه سعی میکند برای دولت آینده آمریکا که ممکن است دموکرات ها باشند وقت میخرد تا برجام و توافق هسته ای را احیا کند.

برای تحلیل موجود فکت های مهمی را ارائه میدهم:
دکتر طریف ۳_۴ بار با جان کری وزیر امور خارجه دولت دموکرات او باما دیدار داشته است و ترامپ این دیدارها را غیر قانونی عنوان کرده است با توجه به قانون (لوگا)؛ این قانون شهروندان عادی را از انجام دیپلماسی خارجی به نیابت از دولت امریکا منع میکند.

که در حال حاضر جان کری شهروند عادی امریکائی محسوب میشود.
دوم اینکه در ۲ خرداد ۹۸ دکتر طریف با خانم دایان فائینشتین سنا تور دموکرات ایالت کالیفرنیا جلسه ای خصوصی و بدون هماهنگی های لازم داشته و کسی از محتوای جلسه خبر ندارد.
پس خیلی ساده لوحانه است که باور کنیم دولت امریکا بخاطر ارتباط او با رهبری، اقدام به تحریم نموده است.

و از سوی دیگر طریف با مظلوم نمایی و رسانه ای کردن نامه گلایه آمیز به رهبر بخاطر سریال گاندو و سعی در بی اهمیت جلوه دادن پرونده جیسون رضا ایان میکند و خودش را گزینه سوخته مطرح میکند!
هر چند حافظه مردم ایران سریال گاندو را فراموش نخواهند کرد.
اما حقیقتا دکتر طریف چکار میکند؟!

پرستو مروجی

ترامپ یا دموکرات ها بهترین گزینه برای ایران کدامند؟

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_29-16_41_55_484_v2k.mp4

احمدی نژاد و پرونده های اقتصادی

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_27-15_15_37_873_rCa.mp4

مقصر اصلی معیشت مردم، احمدی نژاد

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_20-17_10_2_139_Tly.mp4

داداشیای اسحاق جهانگیری

مهدی جهانگیری داداشر اسحاق جهانگیری به گفته سردار ابو حمزه به سه دلیل عمدۀ بازداشت شده بود

- (۱) اخلال در مسائل مالی کشور
- (۲) کسب درآمد نامشروع
- (۳) خروج ارز از کشور

آقا مهدی در دولت احمدی نژاد به مشایی و بقایی پیشنهاد میده که یک شرکت جهانگردی تاسیس شده و چه بهتر که یک بانک هم برای حمایت های مالی و زیرساختی اون تاسیس بشه، و اون بزرگواران سینه چاک ملت و نظام بانک سرمایه رو بصورت جهادی !!! تاسیس میکنند . جالبه بدونید دوم آذر ماه سال هشتاد و نه شمسی ظرف فقط ۱۵۰ دقیقه هشتاد و ۱۱۱ میلیارد سهام بانک گردشگری به فروش میرسه!! لازم به ذکر

است که آقا مهدی معاون سرمايه گذاري بانک گردشگري بوده است.
[۱] اسم اون شركت هم « هلدينگ سما » است سهامدار اصلیش بانک سرمايه است.

و اما آقا مهدی معاون سرمايه گذاري بانک گردشگري بود... حالا سال هشتاد و هفت جنجال رسانه ای بپا کرد و استعفا داد.
بعدشم در اردیبهشت هشتاد و هشت دو بزرگوار اصلی یعنی مشایی و بقایی گفتند اینجور که نمیشه ! چکار کنیم؟ خلاصه مشغول پذیره نویسی « سما » شدند. بعدم آقا مهدی باز رئیس هیئت مدیره شد. فقط به این چرخش ها دقت کنید..

[۲] داستان برای مردم بسیار پیچیده است اما نه برای طراحان اصلی، دقت کنید که این کثافت کاری های مالی از دولت احمدی نژاد اغاز شد و خدا داند که چه میزان ارز از کشور خارج کردند!!

[۳] با یک حساب سرانگشتی ضربه ای که آقا مهدی جهانگیری به اقتصاد ایران وارد کرد بسیار عمیق تر و پیچیده تر از سلطان_سکه و سلطان قیر بود. [۴].

■ کسب درآمد نامشروع یعنی خوردن حق طبقه ی متوسط جامعه
■ اخلال در مسایل مالی کشور یعنی وقتی منابع مالی کم میشه از صندوق های ذخیره اختلاس میشه مثل صندوق فرهنگیان..

■ خروج ارز از کشور یعنی نابودی و کم ارزش شدن پول وطنی + علیل شدن صادرات... و به هدر رفتن سرمايه بخش خصوصی..
[۵] و اما ابراهیم جهانگیری

داداشی بزرگتره آقا مهدی هستند حالا بماند که در دوره اول ریاست جمهوری اقای روحانی مدیر کل آموزش و پرورش استان کرمان بود..
داداش مهدی با یه حکم جانانه خان داداششو به سمت « معاون برنامه ریزی و توسعه انسانی گروه مالی گردشگری» منصوب میکنه.. ایشون که زمانی رئیس کل بودند جالبه بدونید سال نود و چهار در انتخابات مجلس شورای اسلامی رد صلاحیت میشود!!

[۶] نظام آموزشی ما حقیقتا دست چه کسانی بوده است! کسانی که در پیری عاشق جان باخته میشون و مثل آب خوردن معشوقه اش رو راهی دیار باقی میکنه یا کسی که رد صلاحیت میشه...

[۷] یک نکته مهم خدمت تون عرض کنم که: (امتیازاتی که دولت احمدی نژاد به قائم مقامی میراث فرهنگی حمید بقایی به شرکت سما داد... در تاریخ ایران در بخش خصوصی بی نظیر بود و تا امروز هم تکرار نشده است.)